

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومه

کَمَلُ الْمَلِئِینِ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان ستری
دو قران است

(روزنامه یومه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بالمضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است ومطلقا مسترد نمی شود)

بکشبه ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۹ بهمنماه جلالی ۱۲۹ و ۲۵ زانویه ۱۹۰۸ میلادی

علیهم اجمعین که انانرا امام و پیشوای خود و خود را پیرو
فرمایشات ایشان میدانیم رسیده و دستور العملهائی که در
وضع میبست و امور زندگی مادامهاند خاصه حضرت امیر
که قانون حکمرانی و طریقه رعیت داری و جزئی و کلی امور
دنیویه را برای ما بیان فرموده اند که پیروی یک خطبه ا
خطبات آن بزرگوار یا اجرای دستور العملیرا که بمالک اشتر
در حکومت مصر داده اند هرملنی را باعلا درجه عزت و
اعتلا میرساند — و علاوه برقرآن که کتاب آسمانی ماست
واصول سیاست و کلیات مدنیّت ما دراو ضبط است و عمل
کردن بان باعث سعادت و سرافرازی دنیا و آخرت ماست
و هیچ ملنی بقدر ماهادی و رهبر و مرشد و راهنا نداشته اند
و باوجود این ما هیچ يك یابست نبوده و بهمه پشت کرده
ایم و گفته هیچ کدما را بموقع اجرا نیاورده ایم بلکه
هیچ فکر نکرده ایم که اینهمه را برای چه گفته اند و غرضشان
از گفتن چه بود و ابدا بما تازی نکرده پس در اینصورت که
هیچ وقت قصد ما عمل نبوده (قطع نظر از اتمام حجت
و مصالح دیگر) اگر نمیکفتند هم تفاوتی برای ما نداشت
پس گفتن و نکفتن یکیست — زیرا که اعتقادی ما اینست
که اینهمه کتبراً برای ما نوشته اند که فقط نکاهی سطحی
کرده و عبارتش را بخوانیم قانون مکاتبه و مکالمه و شکل
حروف را یاد گیریم — و اینهمه اخبار و آثار برای اینست
که ما عقاید و سیر ائمه خود را بدانیم یا کلماتش را حفظ کرده
در موقع لزوم برای اظهار مقام فضل و اطلاع خود بخوانیم
و قران برای این نازل شده که فقط بمخارج جروف و لوازم
وقوف آشنا شویم و تنها بقراآت کلمات آن بشوایمانی که
وعدده شده نایل گردیم — این عقیده تمام اهل ایران و
مردم این سامانست نه بقران و حدیث عمل میکنند نه زنا

(گفتن و نکفتن یکیست)
خلاف عقیده تمام حکمای عالم و عقلای بنی آدم و
مخالف اجماع دانایان امروزه روی زمین این دوگانه است که
(گفتن و نکفتن یکیست) زیرا که تمام دانشمندان متفقند
براینکه در گفتن اثریست که در نکفتن نیست — پس این
چه حرف بزرگیست که مخالف عقیده تمام دنیا است ؟
میتوان بدلیل این مطلب را ثابت کرد یا نه ؟ بن من میگویم
گفتن و نکفتن یکیست و بدلیل حسی ثابت مینمایم اما من این
حرف را در مورد مخصوص میگویم یعنی درباره مسلمانان
عموما و ایرانیان خصوصاً نه از برای ملل دیگر بلکه از
برای آنها همانست که گفته اند در گفتن اثریست که در
نکفتن نیست ولی ما صحبت از دیگران نمیکنیم بخود مان
کل داریم من میگویم از اول گرفته تا آخر از دانشمندان و
علما و عقلا و وزرا و رجال و ارباب کمال و از مردمان بازاری
و عوام تاجهال و مردم دهاتی تمام در این مسئله در یک
خط سیر میکنند و ابدا فرقی ندارند و از برای عمویشان
گفتن و نکفتن یکیست زیرا که آنچه علما و حکما و دانایان
و ادبا و شعرا در تهذیب اخلاق و ترتیب مدنیت و کسب صفات
حمیده و عادت باداب پسندیده و قواعد ملک داری و رسوم
حکمرانی و طریقه رعیت پروری و قانون معاشرت
و فوائد تجارت و مراعات نظم و محافظت حقوق
و برپا داشتن عدل و روان داشتن ظلم و اجرای مساوات و
جلو گیری از تجاوزات و آنچه را که اسباب شرف انسانیت
و لازمه ترقی و سعادت و باعث رسکاری دنیا و آخرت است
برای ما نظماً و ترا گفتند و نوشتند بقدر سر سوزنی
در ما اثر نکرده و هیچ يك از گفته های انانرا پیروی نکرده
ایم علاوه بر آثار و اخباری که از پیغمبر و ائمه دین سلام الله

کتاب اخلاقی و نصاب پند میگیرند نه از تاریخ و حکایات متنبه میشوند مثلاً فضلا عن الجميع یکی از کتب مفیده ماکستان سعدیت که نظیرش کمزیافت شده بلکه میتوان گفت دیده نشده و در تمام مکاتب مامرسوم است و جمله مردمان باسواد آن کتاب را چه در کودکی و چه در بزرگی خوانده اند و تمام بزرگان و رجال ما علاوه بر اخبار و اشعاریکه در مراتب انسانیت و رسوم آدمیت یاد گرفته اند از شیرینی عبارت و نیکوئی فصاحت محض اظهار کمال و بلاغت اغلب بلکه تمام حکایات این کتابرا که ما به حصول سعادت و نیل شرافه است و بیان میکند رسوم ملک داری و سیره پادشاهان و مهربانی با رعیت و فوائد حاصله سلاطین و امرا را از عدل و داد و نسیج و خیمه آنرا از ظلم و استبداد و آداب صحبت و معاشرت و فضیله کسب و قناعت تامرا حفظ کرده و خاطر نشان دارند با وجود این هر کدام که بمسند دو روزه ریاست نشینند چشم از دنیا و آخرت بسته نه احکام خدا نه فرمانیشت ائمه نه نصاب حکما هیچ کدامرا وقتی نکذارند و هوای نفس را بر همه ترجیح دهند از شدت ظلم و بیاد کوفی نه مسلمانند رعیترا عبد عبید و غلام زر خرید خود دانند و دقیقه از ظلم بندگان خدا کوناهی نکنند — عجب اینجاست که ملتی که بی بهمه این مراتب برده اند و سر مشق حکمرانی و رعیه داری را از بزرگان دین خود شنیده اند اینهمه خلاف آئین و مخالفة قانون الهی را می بینند و چون آسیا سنک زیرین محمد بار کران مظللمسارای می کنند !!! کوفی نمودن با الله خداوند ایشارا محض کشیدن جور رستم و فقر و فلاکه آفریده هیچ بروی بزرگواری خود نمی آورند که ما هم در جبرکه آدمیانیم و دارای شئونات انسانی به قول حکیم معروف همه زنده اند ولی مرده — الحق باین تاب و تحمل مظلومین چندان بخی هم بظالمین و آورد نمی آید هر که زمین نرم دید بیلش را تا هر جا که خواهد فرو میرد بندرت یافت میشود کسی که بمحقوق بندگان خدا تجاوز نکند غرض اینست که گفتی هارا تمام گفته اند ولی بحال ما فرقی نکرده زهد سلمان و صدق ابوذرا همه شبیمایم ولی هیچ تصور نمیکنیم که یکجوش هم باید در آقا باشد و الا نقص است دعویش بیجاست نباید تالی سلماش بدانیم آقا که یکذره در دین ندارد چرا ثانی ابو دردا بخوانیش و به وادینه گفتش که سر تا پا غرض و هوای نفس است چرا فریفته شویم (• او خویشش کم است کرا رهبری کند •) همچنین است حال عوام امت بیچاره با آن تمصبی که در دین دارد چنان غفله او را ربوده است که نه از مو عظه و حدیث متذکر میشود نه از تاریخ و سیر قائده میرد نه لحظه بحال

خود تفکر میکند و اعظ میگوید در بدو اسلام از برکت اتفاق و اتحاد مسلمانان با نداشتن اسباب از پشت دروازه چین تا بحر خزر مازندرانرا مسخر خود کردند و سلاطین روی زمینرا از سطوت خویش منززل نمودند ابدایذله حایله و عاۃ آن منتقل نمیشود هیچ نمیگوید صدک آن اتفاق باید امروز در ما باشد و الا از این هم بدتر خواهیم شد — تاریخ میگوید که در زاصفانی سر دار لشکر کبخسرو که در پای قلعه کلات با لشکر افراسیاب مقابله کرد هفتاد پسر و پسر زاده او پیش چشمش بمات هلاک افتادند چنان بیبین مردانکیش نیامد دایرانه پای مردی و نبات فسرود تا دمار از روزگار دشمن بر آورد میگوید بن چه؟ هیچ نمیگوید که لا اقل باید یکموی این سر دار در تن سر دارهای امروزی ما باشد اگر نباشد عیاست چنین مرد هنرمند لایق مقام سر داریست نه بیچه ده ساله امروز که ماده یک ممالک کبخسرو و برا دارا نیستیم چرا باید عدد سالار و سردارمان پیش از لشکر کبخسروی باشد و هر کدام از جیب مایه و خزانه دولت مبلتی بی اندازه خرج مبل و اسباب تازه نمایند — خوب به بینم ملل خارجه هم اینظنورند یعنی برای آنها هم گفتن و نگفتن یکبست؟ خیر آنها این قسم نیستند هر دستور العملی که از خدا و پیغمبر برای ما صادر شد و آنچه را که حکما و علمای ما گفتند تامرا جمع کرده بزبان خود ترجمه نمودند و آنچه را که مایه عزت و ترقی دانستند و مقتضی مملکت خود یافته و صلاح خویش دیدند عمل کردند بقول تنها و حرف خالی قناعت نمودند و از برای اجرای هر یکش از قیل مساوات و امنیت جانی و مالی کورورها جان و مال نثار کردند و موانع را بکلی از پیش برداشته تا باین مقام عزت و شرف نائل شدند — همین کلستان ما را که ملا باجی در کمال بی اعتنائی تدریس میکند تمام زبانها ترجمه کرده و چون انجیل محترمش داشتند و آن کلمات حکیمانه را مایه سعادت شمرده و بمقام فعلیت آوردند آنان از قصه و افسانه بهره بردند ما بیچاره را از قرآن و حدیث نتیجه نکریم — بد بخت من که تازه میخواهم بتوسط روز نامه مایه خود را بیدار و برادران وطنرا بانچه لازمه وطن داری و اظهار حیات و مایه ترقیت خیر دار کنم غافل از آنکه از هزار سال قبل تا حال بسا مردمان بزرگ و خیر خواه بهره وسیله که ممکن بوده چه از کتب و مواعظ و چه در این اواخر از مجلات و جراید در خدمت پهنوع دقیقه کوناهای نکرده اند با اینکه هر یکش از برای بیداری یک عالم کافیت می بینیم هیچ اثر نکرده واقعا ساده لوحی من تملنا دارد که با این خواب کران و غفله ملت کاهی فکر میکنم که از بعضی اخبار و وقایع اطراف

سی و سه هزار تومان مالیات صد و پنجاه هزار تومان میکرد
 میرزا علی آقا رئیس پست و بار رئیس تلگرافخانه پول و عرایض
 مردم را گرفته علاوه بر آنکه نمیرسانند مطالبش را بحاکم
 میکینند بخدا قسم که ظلمی که بر رعایای بیچاره قیانت
 میکند در هیچ عهدی نشده اگر اینها و داعیه‌هایند و
 حفظ آنان بر ذمه اولیای دولت و امانت است چرا این
 بیچارگان باید اینگونه در آتش ظلم و بیداد بسوزند و
 کسی دلتش بر حال آنها نسوزد

(خلاصه راپورت استرآباد)

هفته قبل ایل خان اکرم الملك پست و یکنفر زن
 و بچه از اسراء معدن عباس آباد و جوین را که در
 بیان ایل ککولان بودند بر حسب امر سپهبد
 اعظم گرفته باتفاق آقا میرزا غلام شاخان اخوی خودشان
 باسترآباد فرستادند یوم قبل هم مجددا شازده نقر دیگر از
 بقیه اسراء که در میان طوایف چور ککولان بودند گرفته
 باتفاق آقا میرزا هادی نایب الحکومه ککولان باسترآباد
 فرستادند حضرت سپهبد از این اقدام غیورانه
 ایل خان که بشرف و ناموس ملیه نموده اند کمال رضایت
 را حاصل فرموده باسراء هم نهایت مهربانی شد بهر یک
 آنها صد تومان مخارج راه مرحمه فرمودند پست پنجفر
 از آنها که صاحبانشان آمده بودند امروز باوطن خود
 مراجعت کردند مابقی دیگر را هم در منزل مجیر دیوان
 بیکاریکی و کلانتر مقرر فرمودند پذیرائی شود تا صاحبان
 شان بیایند از قرار معلوم در ایل چور ککولا دیگر اسپری
 نمی باشد هر چه باشد در طایفه چهار وای ککولان است
 که باید بقوه جبریه گرفته شود حالیه که حضرت سپهبد با
 تمام قوای خود برای مجازات اشرار و استرداد اسراء و
 اموال مسروقه حاضر شده اند و اردو هم در بیرون دروازه
 شهر تشکیل شده منتظر رسیدن سوار و فوج سمنان
 دامغان و غیره میباشند امروز مأمور برای حرکت دادن
 فوج دامغان رفته انشالله بزودی تماماً حاضر شده اردو
 بطرف صحرا حرکت خواهند فرمود ایل خان و
 مفاخر الملك و سایر سرکرده کان ولایتی هم بجمدانه همه
 نوع در اطاعت اوامر حضرت سپهبد حاضر میباشند

(خلاصه راپورت اتزلی)

سابق عرض شد که ضرغام السلطنه ده جناب
 صدر العلماء رئیس انجمن بلدی اتزلی را غارت نموده
 رعایا زن و مرد با تزلی آمده اند بنده کاغذی بضرغام السلطنه
 نوشتم که این حرکات شما منافی عدالة است نام خود را
 چون ارفع الدوله ضایع نکن جواب صریح خواسته
 بودم الساعه از ایشان جواب رسید که من سر خود
 ابتکار را نکرده‌ام حکمی از امیر اعظم صادر شد بر طبق آن

و تاراج ناموس و اموال مسلمانان صرف نظر کرده
 درج تمام که کمتر خاطر بزرگان و رجال آزوده و ملة در
 پریشانی و غصه افتد مبادا باعث هیجان عوام و بعضی
 حرکات خلاف شود زیرا که مسلمان نمیتواند بشنود
 مسلمان و برادر دینی خود باینهمه صدمات و خسارات
 که در حق کافر روا نمیدارد مبتلاست و آسوده بنشیند
 و هیچ متأثر نشود غافل از آنکه چنان مست باده غفلة
 و بی خبر از خویشند که کان تیرود تا صبح نشور از این
 خواب کران بر خیزند و در پی درمان درد خود بر آیند
 (۰) زینسان که گرفته خواب غفلة ما را (۰)

(۰) بیدار نمی شویم تا تفتحه صور (۰)

ترجمه از روزنامه روسی (کاسپی)

شماره ۲۸۵ منطبه در بادکوبه

محبوب ترین و معروف ترین رجال در طهران بلکه حالا
 در تمام ایران همانا قاسد جمال الدین و ملک المتکلمین میباشند که مر
 ایشاترا در تاریخ کنونی وطن ما و فشان مقامی بسیار عالی
 نصیب و مقدراست

اگر بخواهیم از ذکر نام مبارکشان صرف نظر نمائیم
 مثل آنست که عمدا در میان فرقه مجاهدین حقیقی و اشخاصیکه
 از روی بصیرت و حسن صداقت همشان مصروف مقاصد
 عالیه ترقیات ایران است جائی خالی گذاشته باشیم این رجال
 محترم هر دو پیشوایانند ولی نه طرفداران فرقه و انجمن مخصوص
 بلکه هر دو حایبان اساس مشروطیت و پیروان یک نیت
 مقدسه حریتند که علم آن حریت را از هم بلند برافراشته و
 الحق قادرند که بقوه نافذ سخن و بقدرت کلامه بخون
 از عهده محافظتش بر آیند الخ

پریشانی اهل قاین

کارهای ولایت قیانت بکلی مغشوش و ظلم و تعدی
 کاملاً رواج است باینکه قریب دو سالست آوازه مشروطیة
 و عدالة علانرا گرفته هنوز خبرش باینجا نرسید شوکه الملك
 جوان هجده ساله بر دو بیست هزار نقر ریاسة مطلقه دارد
 تا حال قرانی سه قران از رعیة گرفته مال ترا تومانی پنج تومان
 میکرد از اول حکومت این ظلم از شدت جور و تعدیش
 باهالی بیچاره تا بحال که قریب دو سالست زیاده بر بیست
 هزار نقر از قیانت بافغانستان و عشق آباد و غره فراری
 شده اند پارسال هر چه رعیة بیچاره تظلم و فریاد کرد بجائی
 نرسید کسی بحال این بیچارگان دلتش نسوخت رئیس تلگرافخانه
 که نوکر شخصی اوست مردم را بتهر و غلبه از کسب
 باز داشته بتلگرافخانه آورد و بتوسط چند تن ملائماها امر
 را باولای دولت مشته کردند که ماشوکه الملك را و میخواستیم حال
 آنکه بذات یکانکی حق جز این چند نقر رشوه خوار عموم
 رعیة از ظلم و تعدی این حجاج سبوت بجان آمده اند از

رفتار شده غارت هم نشده آدم فرستادم محمولسراضبط کنند که طلب محمد قن وصول شود سواد حکمرا هم فرستاده که دلالة داشت بر عارض شدن محمد قن و ادعای از صدر العلماء دیگر نمیدانم مطابق کدام قانونست که شخصیکه عارض میشود طرف را اطلاع نداده حکم صادر نماید که چنین و چنان شود

— (خلاصه راپرت از استارا) —

رشیدالملک حاکم اردبیل ششم سوار چهارصد پیاده باتفاق مصباح الملک محمد باقر خان و عموم خوانین نین به نمایندگی حاجی بیوک آقایی که خدای استارا به قریه ویرمونی و استارا فرستاده از قتل و غارت و نهب اموال مسلمان و بی عسمنی فرو گذاری نکرده زن و بچه و اهل و عیال متوحش همچون بنات النعش پراکنده بعضی در کورک خانه به بازیکی پناهنده برخی سر کشاده و بی چادر و بابرهنه از رود خانه سرحد بطرف روس گذشته سرحد داران دولت روس به زن و بچه پناه داده یک نفر از زنها از شدت ترس و وا همه طفل شیر خواره اش را رودخانه انداخته خود را بطرف روس رساند چنانچه اغسال و زنها بعضی در زیر بو طه های درختان جنگل پیدا میشود انجمن استارارا بر هم زده و حاجی احمد خان نایب الحکومه استارارا چون طرف دار و حامی ملت بود گرفتار و تخیر بگردن کننده بیابان اردبیل بردند لهذا از طرف عموم مظلومین انان و ذکور استارا از حجج اسلام و اولیای دولت و امنای ملت و صاحبان غیرت اسلامیت و حمیه نوع پرستی متظلمانه دادخواهی می نمایند اقل الحجاج حاجی سید علی تبریزی وکیل ملة عضو انجمن خبریه استارا

— (عریضه خوانین سنکلیج بعموم ملة) —

بمرض خاکبای سران ملة و پیش تازان میدان حمیه و همه برساتیم پس از سلامه و استقلال سال استقبال عموم برائیان که برادران وطنی ما میباشند از آنایکه برخی از جهال این محبة بگفته چند نفر اشرار اغسال شدند و جامهای ما را که تاز و پودش بدست قوی بافته و رشته و خیاط غصمة و عفة بریده و دوخته بود بلوث حرکات منحوسه خود ملوث نمودند ما زنه های سنکلیج بر خلاف آن نامردهای پست فطرت برای جانشانی در راه ملک و ملة و استحکام مبنای مشروطیه مردانه حاضریم چشم بر حکم و کوش بر فرمان و البته معلوم است زنه های این شهر بلکه عموم زنه های این مملکه با درد های ما دمساز و با ناله های ما هم آواز شده با تهاوت عجز و ادب عرض میکنیم ای وکلا ای وزرا مملکه ما از دست رفت خواهران و برادران ما پیمان شدند چرا بداد فرما فرما نمیرسید مگر ناله های جانسوز او را نمیشنوید مگر حرکات و حشبانه عشایر و بجزریکات و اقدامات عثمانی را احس نمیکنید مگر شمارای

اصلاح این مفاسد وکیل و وزیر نشده اید پس مرخص کنید که ما فکری بحال آن بچارگان بنائیم بلکه برویم و جان خود را نثار سم مرگبای آن برادرانیکه در آن ممرکه برای حفظ حدود و ثغور مملکه و حفظ ناموس ملة حاضر شده اند بنائیم و بگوئیم ای مردان بگوئید تا جامه صنع حضرت نبوشید از صمیم قلب جانهای ناقابل خود را فسیه بان وطن خواهان تقدیم رنمائیم که با عنزمی راسخ در آن سر زمین حاضر شده و از جان شیرین خود گذشته اند باقی ایام استقلال ایران و سلامت ایرانیان مستدام بناماد

— (اعلان) —

کتاب ارشاد الحساب که با حروف سربی صحیح و بیغلط بطبع رسیده در خیابان ناصریه کتابخانه شمس بفروش میرسد قیمة پنج قرانست از هر قیل و روماتها نازده طبع شده نیز بقیمة مناسب بفروش میرسد

— (اعلان) —

انشاء تعالی روز پنجشنبه ٢٥ ذیحجه که روز مبارکی است سه ساعه از است گذشته مجمع اناسیت در کلویندک محاذی خانه مرحوم امیر صالح مجتهد عرب در مرکز خود رسماً افتتاح میشود از اهالی آشتیان و قرقش و کرکان محترماً خواهش منداست از صبح الی یکساعه بظهر مانده در محل مزبور شرف حضور پهرسانند (مجمع اناسیت) (اعلان م)

در انجمن الهی هر هفته روزهای دو شنبه و پنجشنبه عصر سه ساعت بفروب مانده آقا میرزا عبد الرحیم در شش موضوع ذیل صحبت خواهند داشت — اول در اعلاء کلمه اسلام در ژاپون و سایر بلاد خارجه ، دوم در تهذیب اخلاق عامه ، سیم در تشدید ارکان عدالة ، چهارم در توحید قوای دولت و ملة یعنی در رفع تناق و القای اتناق ، پنجم در حفظ استقلال وطن ، ششم در طرق تحصیل و تربید ثروت ملیه و تقلیل احتیاجات وطنیه ، هر کسی مایل باشد در روزهای مزبور حاضر تواند شد ، مرکز انجمن نزدیک تکیه رضا قلیخان خانه مرحوم میرزا موسی وزیر لشکر وصل بحمام اجودان باشی است و نیز رساله آخر الدواء که نازده از طرف آقای الهی انتشار یافته در کتبخانه معارف و تریب و شرافت موجود است

— (اعلان) —

میو ریکوپولس معلم زبان آلمانی و معلم موزیک هر کس میل دارد بیاموزد حاضر است (هوتل انگلیس) (حسن الحسینی الکلثانی)